

زبور مانوی

سی. آر. سی. آلبری

ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور

چاپ اول: ۱۳۷۵ - انتشارات فکر روز

۵۴۴ صفحه - ۱۳۰۰ تومان

۵۸۶

مذهب مانوی یکی از چند دین بزرگ است که ایران به جهان عرضه داشته است. گسترش این کیش چنان به سرعت از چین تا مرکز اروپا را درنوردید که فقط اشاعه اسلام را می توان به آن تشبیه کرد و اگر اسلام نیامده بود چه بسا از نظر تاریخی آیین مانوی نقشی نزدیک یا شبیه به اسلام می یافت. نفوذ مانویت پیش از اسلام در عربستان مسلم است و آنجا که مورخانی مثل ابن قتیبه دینوری از «زنادقه قریش» نام می برند مسلماً نظرشان به مانویان است و قرآن مجید که از جمله صفات خدا «جاعل الظلمات والنور» می آورد تعریض به ثنویت مانوی دارد. بعد از اسلام هم آثار مانوی گری و مزدکی گری ادامه داشت، متهمی نام نحله های مرموز عرفانی و باطنی به خود می گرفت یا در شکل سازمانهای درویشی و خانقاه تجلی می کرد - که خانگاه خود یک کلمه مانوی است - این آیینها از سوی خلافت اموی و عباسی به نام زندقه و بددینی نامیده می شد که بیراه نیست چرا که زندقه از زندیق است و زندیق معرب زندیک و زندیک یعنی تأویل گر. هم مانویت و هم نحله های بدنام بعد از اسلام همه تأویلگرند ضمن آنکه التقاطی و تلفیقی هم هستند.

یک مقدار از اندیشه های مانوی هنوز در ذهنیت ما هست بدون آنکه خود توجه داشته باشیم مثلاً پست و پلید دانستن تن و طبیعت، یا زندانی دانستن مرغ روح در قفس جسم (به تعبیر مانویان نور در چنگ ظلمت اسیر است).

آن مقدار اطلاعات که درباره مانوی در کتب قدیم هست (و در کتاب مانوی و دین او به کوشش

احمد شیرازی جمع‌آوری شده) منظره نسبتاً روشنی از عقاید و آداب و سازمان مانویت ترسیم می‌نماید و اسنادی که در قرن ما پیدا شده (اسناد تورفان و مصر و اروپا) در واقع همان معلومات قبلی را گسترده‌تر و مشروح‌تر می‌سازد و جنبه توسعه کمی دارد نه کیفی. با این حال هر چه از این دست فراهم آید مغنم است، به‌ویژه اگر به فارسی هم ترجمه شود. چه در این صورت حق به‌حق‌دار رسیده است. چون به هر حال مانی ایرانی است و هم‌میهنان او بیشتر جا دارد بفهمند که او چه می‌گفته است و دریابند که سابقه نیایش و انتظار و بشارت و شهادت و... انسان کامل در این دیار چگونه بوده است؟

کتابی که اخیراً تحت عنوان زبور مانوی به قلم آقای ابوالقاسم اسماعیل پور از انگلیسی ترجمه شده از آثار مانوی است که در اصل به زبان قبطی (مصری قدیم) بوده است. مترجم علاقه و اهلیت خود را در زمینه این‌گونه ترجمه‌ها با انتشار اساطیر مصر و بابل و آشور و نیز کتابی در موضوع آیینهای گنوسی و مانویت نشان داده است. این کتابها و نیز کتاب مورد بحث ما جای خالی محسوسی را در ادبیات دینی و اساطیری فارسی معاصر پُر می‌کند.

در متون تاریخی (مثلاً آثار الباقیه بیرونی) نامی از انجیل مانوی برده شده و کتاب خود مانی را هم انگلیون (= انجیل) نامیده‌اند. در کتاب زبور مانوی به گرایشهای عیسویانه و ستایشهای مسیح و مریم برمی‌خوریم. برای اینجانب مشخص نیست که آیا این همان انجیل مانی است یا آنکه انجیل مانی جزء «آپوکریفا»هایی بوده که روایت مستقلی از حیات و تعالیم مسیح را بازگو می‌کرده است. چرا که یقیناً مانی به‌عنوان مدّعی موعود بودن عیسا (فارقلیط) و اینکه همان نجات‌دهنده و تسلی‌بخش است که آمده است ناچار بود روایت خاص خودش از مسیح را داشته باشد. همچنانکه تفسیر خاصی از زرتشتی‌گری داشت و مقامات بالای مانوی را که به‌رتبه تأویل می‌رسیدند زندگی می‌نامیدند. و همچنین شاید تأویل خاص خودش از بودایی‌گری را هم داشته است.

بدین‌گونه چه‌بسا مخالفان دین مانی از یهودی و مسیحی گرفته تا بودایی و مسلمان بعید نیست کوشیده باشند انجیل مانی را از بین ببرند.

تأثیر مانویت بسیار وسیع بوده است، اینکه در مذهب مسیحیت تصویرگری غلبه دارد و مفاهیم تجسم می‌یابد هم در مهرپرستی سابقه داشته و هم در مانویت تأکید بر نقاشی می‌شده است و اصولاً مانی در درجه اول نقاش و هنرمند برجسته‌ای بوده است. هاله دور سر قدّيسان در نقاشی‌ها سابقه در مانویت دارد (ص ۱۴-۱۳). همچنانکه اگر بخواهیم سابقه مراسم گاوپازی در اسپانیا را بکاویم بیش از آنکه به مراسم گلا دیاتورها در روم قدیم مربوط باشد به کشتن گاو نر هر مز به‌دست مهر (اصلی مجسمه در واتیکان است) مربوط است. تأثیرات دین مهر در امپراتوری روم و انتقال آن تأثیرات به مسیحیت مطلب دیگری است. بحث ما در مانویت است و گفتیم که مانوی‌گری ترکیب خاصی است از بودایی‌گری و مسیحی‌گری در متن زرتشتی‌گری و بدیهی

است جنبه عرفانی و باطنی و رمز و راز (کنوسیزم و می ستیزم) در آن بسیار قوی است. مسیحیت و بودایی گری بعد از زرتشتی گری مهم ترین ادیان ایران آن روز بود و مانی پیروان بالقوه خود را میان آنان می جست. این را هم اضافه کنم که مرتبه پایین تر از زندیکان، نیوشاکان بودند (که در این کتاب مکرر به صورت نیوشایان آمده) و از آن پایین تر درویشان مانوی بودند که جاحظ به ایشان «رهبان الزنادقه» نام داده تا با راهبان بودایی و مسیحی اشتباه نشوند.

زبور مانوی که در شکل فعلیش ناقص است (ص ۱۲ و ۲۱) و از حدود ۳۴۰ م. باقی مانده فضای روحانی و اندیشگی آن روزگار را می نمایاند. باید توجه داشت گرایش شاپور به مانی و سپس اعدام او (همانند گرایش قباد به مزدک سپس اعدام مزدک به دست انوشیروان) در جهت کم کردن نفوذ روحانیان زرتشتی به نفع سلطنت بوده است. لیکن در هر دو مورد، جنبش به سرعت مردمی شده و حکومت را ترسانیده، لذا مجدداً روحانیت زرتشتی و سلطنت ساسانی دست به دست هم مانویان و مزدکیان را بیرحمانه سرکوب کرده اند.

از لحاظ روانشناسی تاریخی باید تحقیق شود چرا فضای دوران فترت (فاصله حضرت عیسی (ع) تا حضرت محمد (ص)) این گونه تیره و منفی است. در زبور مانوی ناله های یک روح مضطرب محبوس که در جستجوی رهایی است شنیده می شود و این روحیه زمان است نه حالت یک فرد.

آیین مزدک بعد از مانوی گری درخشش امید بود برای بندیان و زنجیریان، اما ظاهراً به سبب مساوات طلبی افراطی نمی توانسته است عملی شود، گرچه الهامات و ندای آن با نامها و اشکال دیگر قرنها ادامه داشت. مرحوم استاد مطهری می نویسد: «اگر اسلام ظهور نمی کرد آیین مزدکی بار دیگر بروز می کرد و زیانه می کشید» (خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۱۹۵).

شاید قدری از بحث دور شدیم. هدف اینست که ضرورت ترجمه و تألیف و انتشار چنین کتابهایی - مخصوصاً متون کهن که خیلی اهمیت دارد - گوسزد شده باشد و کوشش مترجم محترم که مجذانه در حد توان خود بدان مشغول است ارج نهاده شود و توجه خوانندگان اهل تحقیق به این نوع کتابهای جدی جلب گردد. در پایان تکه هایی از کتاب را نقل می کنیم تا نمونه ای از نثر شیوا و مفهوم آن نیز ارائه شده باشد.

— مانی، به زانو نشست و از خدا بخشایش جست

خروش برکشید و گفت:

در بگشای، مرا از رنجها رهایی بخش

فرمانروایان زمین، خشماگین بر من رای زدند (ص ۷۳)

— اینست راه حقیقت، پلکانی که به عرش منتهی می شود

و ما را به روشنی رهنمون خواهد شد

انسانِ نخستین از روز ازل در همین راه بوده است
و عیسای روشنایی و فارقلیط ترا فرا خواندند
ای روح از این راه می‌توانی به‌عرش‌فراز روی (۷۹)
— خوشا آنان که یاور تواند / به‌انتظارت نشسته‌اند /
دستان‌شان گسترده است / تا در آغوشت کشند...

توفیق مترجم و ناشر را آرزو مندیم.

۱۳۷۵/۶/۴



۵۸۹

خواننده گرامی، مشترک عزیز

مخارج سنگین مجله فقط از محل تکفروشی و حق اشتراک و یاری شما
خوانندگان و مشترکان تأمین می‌شود.
از شما خوانندگان عزیز و غیرتمند برای ادامه حیات «کِلک» استمداد
می‌کنیم. همت کنید تا نشریه‌ای که مورد پسند شما است به تعطیلی و
خاموشی گرفتار نشود.
کِلک انتظار دارد در صورتی که آن‌را می‌پسندید و ماندگاری آن‌را برای
فرهنگ و زبان فارسی مفید می‌دانید ما را یاری دهید.
همانطور که بارها نوشته‌ایم، در صورت ازدیاد تعداد مشترکان، مجله
دوام می‌یابد و به‌راه فرهنگی خود ادامه می‌دهد.
کِلک مرهون محبت کسانی است که تاکنون بی‌درخواست ما مشترکانی
معرفی کرده‌اند.